

## بررسی و تحلیل وضعیت شیعیان جمهوری آذربایجان

مرتضی اشرفی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم / Mortezaashrafi@karimeh.com  
مجتبی اشرفی / دکتری تاریخ ایران معاصر دانشگاه شیراز / Mojtabashrafi@karimeh.com  
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۱/۲۴ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۳/۲۰

### چکیده

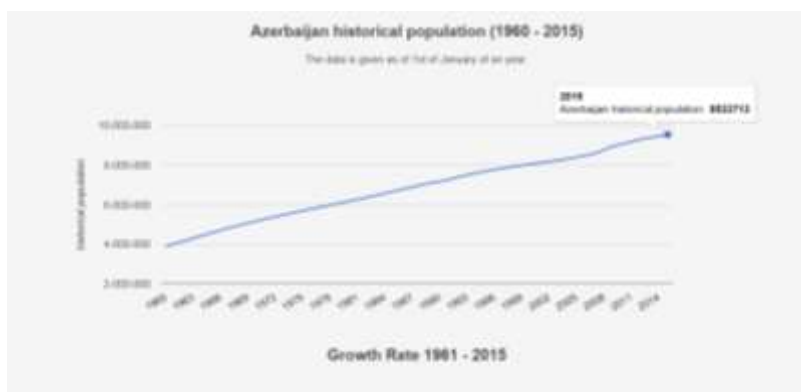
ساختار مذهبی جمهوری آذربایجان و نوع نگاه مردم و نخبگان این کشور به اسلام، به ویژه آیین تشیع، محصول فرایند تاریخی بسیار پر فراز و نشیبی است که بدون مطالعه و بررسی آن، امکان درک درست و واقع‌بینانه از تحولات مذهبی و سیاسی جامعه کنونی این جمهوری ممکن نیست. در واقع شکل‌گیری و فعالیت احزاب اسلام‌گرا، در بستر همین محصول تاریخی صورت پذیرفته است؛ از این رو، با بررسی سیر تحول اسلام در آذربایجان، می‌توان به درک بهتر فضای سیاسی - مذهبی حاکم بر فعالیت‌های اسلام‌گرایان در این کشور رسید؛ هم‌چنین نوع دیدگاه و رویکرد جریان‌های اسلام‌گرای آذربایجان به مقولاتی چون: دین اسلام، آیین تشیع، نحوه تعامل و یا تقابل با نظام سیاسی حاکم، اهداف و آرمان‌ها و نیز نوع نگاه آنان به ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعی جهان اسلام، کمک شایانی می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** جمهوری آذربایجان، شیعیان، جمهوری اسلامی ایران، دین اسلام، سیاست خارجی، تشیع.

## مقدمه

سرزمین آذربایجان مساحتی به اندازه ۶۰۰۸۶ کیلومتر مربع را دربرمی‌گیرد. این سرزمین منطقه مورد مناقشه ناگورنو-قره‌باغ که بیشتر ساکنان آن ارمنی هستند، و جمهوری ناپیوسته نخجوان را نیز شامل می‌شود. (ملازاده، ۱۳۷۳، ص ۲۱) نخجوان از جنوب و غرب، با ایران و ترکیه هم‌مرز است. آذربایجان در کناره‌های باختری دریای خزر قرار دارد. این جمهوری از شمال با فدراسیون روسیه، از شمال غربی با گرجستان، از غرب با ارمنستان و از جنوب با ایران هم‌مرز است. (وزارت کشور، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۷۵، ص ۱۲-۲۹)

جمعیت آذربایجان در سال ۲۰۱۵ برابر ۹،۵۳۳،۷۱۳ نفر برآورد شده است. ([www.countrymeters.info/en/Azerbaijan](http://www.countrymeters.info/en/Azerbaijan)) با این حال، جمعیت این کشور در سال ۲۰۰۰ میلادی برابر هشت میلیون و ۸۱ هزار نفر برآورد شده بود. طبق سرشماری سال ۱۹۹۸ آذربایجانی‌ها ۸۲،۷٪ از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، اما این اندازه به دلیل میزان بالای زاد و ولد و مهاجرت غیرآذری‌ها به نزدیک ۹۰٪ رسیده است. جمعیت آذری ناگورنو-قره‌باغ و تعداد زیادی از آذربایجانی‌هایی که در ارمنستان زندگی می‌کردند (در حدود دویست هزار نفر) در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به درون خاک آذربایجان کوچ داده شدند. در کل در حدود یک میلیون پناهنده و بی‌خانمان در آذربایجان وجود دارند. (امیر احمدیان ۱۳۸۲، ص ۷۷)



### هویت ملی و قومیتی شیعیان

در اوایل قرن بیستم، روشن‌فکران سکولار آذری کوشیدند تا از راه فعالیت‌های سیاسی، آموزش و آثار مکتوب خود، نوعی اجتماع ملی در این منطقه پدید آورند. آرمان‌هایی هم‌چون: مردم‌گرایی، ترک‌گرایی و دموکراسی، در این دوره رواج بسیاری یافته بود. فرهنگ مردم آذربایجان بنابه موقعیت جغرافیایی و میراث تاریخی، متأثر از فرهنگ‌های مختلف منطقه قفقاز و خاورمیانه از جمله فرهنگ‌های ایرانی، ترکی، روسی و اسلامی است. امروزه فرهنگ غربی با شدت بسیار رایج می‌گردد. به جز اکثریت آذربایجانی مردم ملت‌های متفاوتی مانند ارمنی‌ها، کردها و تالشی‌ها، در جنوب و شرق و لژگی‌ها، یهودی‌ها و تات‌ها در شمال، به گوناگونی زبان‌ها و فرهنگ رایج در این کشور افزوده‌اند. ایجاد هویت ملی آذری در واکنش به رژیم استعماری و بهره‌کشی بر اساس مفاهیم نژادی، عناصری را از هر دو سنت‌های اسلامی و غیراسلامی، هم‌چنین آرمان‌های غربی هم‌چون لیبرالیسم و ناسیونالیسم در بر گرفته است. هم‌چنین مفهوم هویت ملی آذری در دوره شوروی ترویج می‌شد. براساس میراث فرهنگی نوشتاری، بسیاری از شخصیت‌های تاریخی در عرصه‌های هنر و سیاست، به تقویت و تأیید تلاش برای ایجاد یک ملیت مستقل در پایان عمر رژیم شوروی پرداختند. احساسات ناسیونالیستی بر ضد حاکمیت شوروی در دوره زوال آن که احساسات ضدارمنی بر شدت آن می‌افزود، به مهم‌ترین نیروی برانگیزاننده جنبش‌های مردمی بازسازی ملی تبدیل شد. (امیراحمدیان، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰؛ کاوه، ۱۳۷۹، ص ۶-۱۵)

لذا مهم‌ترین بحثی که در زمینه هویت ملی آذربایجان مطرح می‌شود، ملیت، دین و زبان مردم این کشور است که هویت ملی مردم آذربایجان را تشکیل می‌دهد.



### دین در جمهوری آذربایجان

جامعه آذربایجان، همان گونه که محل زیست اقوام مختلفی است، محل زندگی پیروان ادیان، مذاهب و آیین‌های متعدد نیز به شمار می‌رود. سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهودیت و آیین‌های به‌جامانده از آذربایجان باستان، در جامعه امروز جریان دارند و با افت‌وخیزهایی به حیات خود ادامه می‌دهند. (واحدی، ۱۳۸۶، ص ۷۸) طبق آخرین آمارها، در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۹۷٪ از کل جمعیت این جمهوری مسلمان هستند. (۸۳٪ شیعه، ۱۴٪ سنی و ۳٪ غیرمسلمان) مسیحیان (ارتدوکس روسی و آپوستولیک ارمنی)، دومین گروه بزرگ دینی را تشکیل می‌دهند. دیگر گروه‌ها در تعدادی اندک مانند مولوکان‌ها، (Molocans) بهایی‌ها، (Baha'is) و کریشنایی‌ها (Krishnas) وجود دارند. تا همین تازگی، اسلام یک نظام فرهنگی غالب بود که فعالیت‌های سازمان‌یافته کمی را دربرمی‌گرفت. مراسم سوگواری، پایدارترین آیین‌های مذهبی در طی دوره سوسیالیستی به شمار می‌رفتند.

توجه به اعتقادات دینی مردم و مطالبات آن‌ها از دولت ملی از یک سو، و واهمه حاکمیت از اوج‌گیری باورهای دینی و رسیدن عنصر دین در جامعه به حالت کنترل ناشدنی توسط دولت از سوی دیگر، حاکمیت ملی تازه‌تأسیس آذربایجان را برآن داشت تا به این رکن مهم جامعه بپردازد؛ لذا در سال ۱۹۹۲ (یک سال بعد از

استقلال)، دولت وقت آذربایجان در اقدامی شتابزده، قانونی را با نام «قانون آزادی‌های دینی»، به تصویب رساند و با توجه به این شتابزدگی، چند سال بعد آن را اصلاح و مواردی را به آن اضافه نمود. در این زمینه برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که این اصلاحات به نوعی منفعلانه بوده است. (رمضانی بونش، تیر ۱۳۹۱؛ کیهان‌فر، زمستان ۱۳۷۲)

اداره روحانیان مسلمانان قفقاز که از سال ۱۹۸۰ در باکو به رهبری شیخ‌الاسلام الله‌شکور پاشازاده رهبری می‌شود، قدیم‌ترین نهاد دینی آذربایجان و منطقه به شمار می‌آید. فلسفه وجودی این اداره که بنای اصلی آن در دوره تزارهای روس نهاده شد، کنترل گرایش‌های دینی مسلمانان و دولتی و حکومتی کردن دین اسلام توسط روس‌ها بود و در دوره اتحاد جماهیر شوروی نیز به رغم ماهیت الحادی نظام کمونیستی، این اداره پابرجا بود. مقامات دینی و مسئولان این اداره، با وجود هم‌کاری و هماهنگی مداوم با حکومت در مواقعی که کنترل‌های دولتی کم شده، رفتارهای مستقل و مبتنی بر احیاءگری دینی از خود بروز داده‌اند. این رویکرد چه در دوران قبل از استقلال آذربایجان و چه بعد از آن به چشم می‌خورد. اداره روحانیان در سال‌های ابتدایی بعد از استقلال کشور، فعالیت‌های دینی خود را گسترش داد و روزنامه سلام را منتشر کرد که بعد از اندک زمانی انتشار آن متوقف شد.

بندهای ۲، ۳ و ۴ اصل ۴۸ قانون اساسی آذربایجان که به موضوع دین اختصاص دارد، سیاست دولت آذربایجان در قبال مذهب بیش از ۸۰٪ مردم را به خوبی نشان می‌دهد:

بند ۲. هرکس حق نگرش مستقل به دین، اعتقاد به هر دینی به صورت فردی و یا جمعی، عدم اعتقاد به هیچ دینی و همچنین بیان و انتشار اعتقاد دینی خود را دارد.

بند ۳. انجام دادن مراسم دینی آزاد است در صورتی که قواعد و انضباط

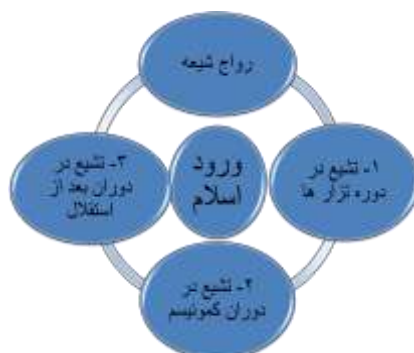
اجتماعی را برهم نزند و یا در ضدیت با اخلاق عمومی نباشد.

بند ۴. اعتقاد دینی، موجب برائت برهم زدن حقوق جمعی نمی‌شود.

امروزه بندهای ۳ و ۴ این ماده، به دست‌آویز دولت باکو برای برخورد با مراسم عزاداری ماه محرم در سطح خیابان‌ها تبدیل شده، در حالی که در اولین سال‌های استقلال آذربایجان، مراسم عزاداری حسینی به ویژه روز عاشورا، در سطح گسترده‌تری در معابر عمومی این کشور برگزار می‌شد که برخی محافل لاییک و وابسته به غرب، با ابراز نگرانی از این وضعیت و با استناد به قانون اساسی موصوف، محدودیت‌هایی را ایجاد کردند و در زمان حاضر، مراسم عزاداری در سراسر این کشور در مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌شود و حضور گسترده و پرشور جوانان از ویژگی‌های این آیین‌هاست. (عزاداری شیعیان آذربایجان در محرم، خبرگزاری آران)

### شیعیان در جمهوری آذربایجان

شیعیان، اکثریت جمعیت آذربایجان را تشکیل می‌دهند و این جمهوری، دومین کشور شیعی جهان به شمار می‌رود. با وجود این، تفکر شیعی در آذربایجان بسیار متفاوت از تشیع در کشورهایی چون ایران و عراق است. تشیع در این کشور، تحت تأثیر نظام سیاسی سکولار در دهه‌های گذشته - چه قبل و چه بعد از استقلال - چندان به سمت اسلام سیاسی و جنبش‌های دینی سوق نیافته است. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳، ص ۳۸) مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان، هم‌زمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و به صورت دین اکثریت مردم درآمد. (اشرفی، مهر ۱۳۹۳؛ جباری، ۱۳۸۹، ص ۲۶؛ خبرگزاری آران، ۱۳۹۰، ص ۹۰)



## ۱. ورود اسلام

دین اسلام در قرن هفتم میلادی توسط اعراب به سرزمین‌های ایرانی آن سوی ارس نفوذ کرد و به تدریج، جایگزین دین مسیحیت شد. پیشروی مسلمانان در قفقاز، از آذربایجان ایران شروع شد. در سال ۶۴۲ میلادی، مردم دربند با اسلام آشنا شدند و اسلام اندکی پس از آشنایی مردم آذربایجان با آن، به صورت دین اصلی آن‌ها درآمد و به عنوان دین مسلط تا امروز تداوم یافت و از زمان ظهور صفویان در این منطقه گسترش پیدا کرد. (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۶۴۲-۶۴۳)

## ۲. رواج تشیع

ظهور دولت صفوی، موجب رسمیت یافتن تشیع و احیای هویت و وحدت مناطق گوناگون ایران گردید. رواج و تداوم تشیع در آذربایجان را در سه دوره متفاوت می‌توان بررسی کرد:

دوره اول، از زمان ظهور صفویه و رسمیت تشیع تا زمان اشغال این مناطق توسط

روسیه تزاری؛

دوره دوم، از زمان اشغال این کشور تا فروپاشی اتحاد شوروی؛

دوره سوم، از زمان استقلال تا عصر حاضر. (رضایی، ۱۳۸۵، ص ۷۶؛ جعفریان،

۱۳۸۸، ص ۶۴۲)

### ۳. اسلام و تشیع در دوره تزارها

پس از شکست ایران در نبرد با امپراتوری روسیه و امضای معاهدات ننگین گلستان و ترکمان چای، مناطق شمالی ارس به اشغال امپراتوری روسیه درآمد. کلیسای پرو - اسلاو، روابط روسیه تزاری با اسلام و مسلمانان را تا حد چشم‌گیری براساس دیدگاه‌های خود تعیین کرد. میسیونرهای مسیحی پرو-اسلاو، عموماً در مناطقی که اسلام ضعیف بود و مسلمانان با مسیحیان درآمیخته بودند، فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند. در این دوره تزارها، با هدف نظارت و کنترل بر مسائل دینی و نیز قطع رابطه مسلمانان با حوزه‌های دینی ایران و عراق و نیز مراجع تقلید، به تأسیس اداره روحانیان و تربیت طلاب وابسته به خود پرداختند. روسیه تزاری نیز برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان، به تحریک و تفرقه بین ایشان می‌پرداخت و به منظور استحاله فرهنگی مردم در فرهنگ روسی، به تأسیس مدارس روسی و اعطای زمین، رتبه نظامی، نشان و حقوق بازنشستگی به علما برای جلب حمایت آنان اقدام می‌نمود. جمهوری آذربایجان در اواخر دوره تزار، تحت تأثیر روشن‌فکران مسلمان، به سمت سکولاریستی شدن پیش رفت. در فاصله بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷، افرادی ظهور کردند که در مجلات و روزنامه‌های محلی، از برخی مراسم شیعی مانند برپایی مراسم عاشورا و برخی سنت‌های قدیمی و مذهبی انتقاد می‌کردند. در مقابل این تحرکات، علمای دینی با نوشتن برخی مطالب، می‌کوشیدند عدم مخالفت دین با علم را نشان دهند. (جباری، ۱۳۸۹، ص ۲۸-۲۹)

### ۴. تشیع در دوران کمونیسم

با سقوط تزاریسم، کمونیسم به مدت هفتاد سال بر مناطق مسلمان‌نشین به ویژه آذربایجان، سایه افکند و دین و مذهب به اجبار برای مدتی از صحنه عمومی جامعه



کنار رفت. (خوفسکی تادیوش، ۱۳۸۱، ص ۸۴-۹۳) در این دوره حکومت شوروی سابق، برای جلوگیری از تجمع مردم برای انجام دادن اعمال دینی، به ویران کردن مساجد پرداخت. بیش‌تر مساجد در جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۳۰ میلادی تعطیل شدند و یا کاربری آن‌ها تغییر یافت و با قطع ارتباط مناطق مسلمان‌نشین با سایر ملت‌های مسلمان و ایجاد نفاق و اختلاف بین شیعه و سنی، به پیشبرد اندیشه «دین افیون ملت‌ها» و ترویج آن پرداختند. در جنگ جهانی دوم، حاکمان وقت موقتاً دست از برنامه‌های خود برداشتند اما با پایان یافتن جنگ، اعمال محدودیت‌ها دوباره آغاز شد و تا سال ۱۹۶۰ میلادی، تمام فعالیت‌های مذهبی و واجبات دینی به صورت مخفیانه انجام می‌گرفت. در این سال‌ها، سیاست شوروی بر نوعی تسامح مبتنی بود تا از اسلام به نفع دولت بهره ببرد. از سیاست‌های دیگر آنان در آذربایجان برای قطع پیوندهای دینی و تاریخی مردم با گذشته اسلامی و ایرانی، برهم زدن ترکیب قومی و مذهبی منطقه با اسکان آرامنه و روس‌ها بود. کمونیست‌ها در برخورد با تشیع، دو نوع رفتار داشتند: از یک سو تشیع را مانند سایر مذاهب، از صحنه اجتماعی بیرون راندند و به مسأله‌ای خصوصی در منازل تبدیل گردید و با تعطیلی مساجد، مراسم‌های شیعی را نیز مانند عزاداری عاشورا ممنوع کردند. از دیگر سو، نفوذ مذهب در زندگی خصوصی افراد افزایش یافت، حتی در برخی محله‌ها، به آموزش دینی محدود برای کودکان اقدام می‌شد. تداوم تشیع در آذربایجان در عصر استیلای کمونیسم را باید در ادامه برخی سنت‌ها جست‌وجو کرد؛ مانند تدفین و اعمال و مراسم مربوط به آن، ختنه، ازدواج و آداب و رسوم مربوط به آن و... این مسائل، در بقای ظاهری تشیع در این کشور نقش داشتند. (خوفسکی تادیوش، ۱۳۸۱، ص ۳۰-۳۱؛ رضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰)

## ۵. تشیع در دوران بعد از استقلال

گسستن از حکومت مسکو برای آذربایجان، همانند سایر ملل مسلمان جماهیر شوروی، یک نقطه عطف برای برقراری روابط با جهان اسلام بود. این تجدید حیات اسلامی در سراسر کشور، مسأله‌ای بود تابع تأثیراتی که از ایران، ترکیه و برخی از کشورهای عربی در داخل کشور ایجاد می‌شد. پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ میلادی، دین به تدریج، به عرصه زندگی اجتماعی مردم بازگشت. بسیاری از مقامات این کشور از افراد بازمانده دوره حکومت شوروی سابق بودند و خط‌مشی بی‌دینی و ملی‌گرایی را در پیش گرفتند، ولی در کنار آن، بنابه دلایل گوناگون، سعی کردند از مشروعیت و مقبولیت اسلام در چارچوب خاص خود استفاده نمایند. مردم این کشور به صورت اسمی مسلمان و شیعه بودند، با این حال به ندرت در میان آن‌ها عاملان به شریعت مشاهده می‌شدند. با وجود این، دین و مذهب در خاطر مردم به روش‌های گوناگون حفظ شده بود، چنان که در حرکات استقلال‌خواهانه مردم این کشور، شعارهای اسلامی مطرح گردید و در بقای دین در آذربایجان، علاوه بر تأییدات غیبی، باید از تلاش‌های شیعیان و مؤمنان و نقش مراسم‌های مذهبی مرسوم و سنتی شیعیان مانند عزاداری‌ها، سفره‌های احسان، سفره‌های منتسب به ائمه اطهار علیهم‌السلام و... نام برد. (خوفسکی تادیوش، ۱۳۸۱، ص ۳۲)

## جمعیت، پراکندگی جغرافیایی، علما و احزاب شیعیان

جمعیت شیعیان یکی از مباحث مورد اختلاف میان اصحاب علم، نهادهای حکومتی، دوایر دینی، اسلام‌گرایان و حتی مراکز بین‌المللی آمار است، عده‌ای از اسلام‌گرایان هم‌چون حاج‌علی‌اکرام علی‌اف، درصد جمعیت شیعه جمهوری آذربایجان را ۸۵ تا ۹۰ درصد اعلام کرده و معتقدند، افرادی که این درصد را پایین ذکر می‌کنند، اغراض

سیاسی دارند. به اعتقاد آنها، اهل سنت فقط در مناطق شمالی کشور متمرکزند که پراکندگی جمعیتی پایینی دارد. طلاب علوم دینی نیز جمعیت شیعه این کشور را در حدود ۸۳٪ می‌دانند که همه شیعیان دوازده‌امامی هستند. هم‌چنین *دائرة‌المعارف بریتانیکا* در گزارش آماری خود در سال ۲۰۰۵، جمعیت شیعیان را حدود ۸۰٪ و در سال ۲۰۱۰ حدود ۸۳٪ اعلام کرده است. *دانشنامه ویکی‌پدیا* نیز در سال ۲۰۰۵ جمعیت شیعیان این جمهوری را ۸۰٪، در سال ۲۰۱۱ حدود ۸۴٪ و در سال ۲۰۱۴ نیز ۸۳٪ اعلام کرده است.

### ۱. پراکندگی جغرافیایی

به طور قطع نمی‌توان گفت آماری منتشر نشده که جمعیت شیعیان در کدام مناطق با چه میزان پراکندگی‌هایی قرار دارند و اگر قطعیتی نیز می‌توانست وجود داشته باشد، در دهه‌های گذشته و با فروپاشی شوروی، از یک سو به دلیل نفوذ فرقه‌هایی هم‌چون سلفی‌ها و نورچی‌ها و از سوی دیگر بحران‌های نظامی و اقتصادی که موجب مهاجرت‌های جمعیتی گردیده، باعث به هم خوردن ترکیب‌های جمعیتی شیعیان در آذربایجان شده است. با این حال، بر اساس آمارهای مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی و مشاهدات، اخبار و سایر استنادات، شیعیان در تمامی مناطق آذربایجان حضور دارند و به استثنای مناطق شمالی و منطقه شیروان، در اکثریت هستند. منطقه مرکزی شامل باکو و شهرهای اطراف آن، مناطق جنوبی و هم‌مرز با ایران، به خصوص شهرهای آستارا، لنکران، ماسالی، لریک و میل مغان، از جمله شهرهای جلیل‌آباد، بیله‌سوار، صابرآباد، ساعاتلی، ایمیشلی و هم‌چنین اکثریت قریب به اتفاق جمهوری خودمختار نخجوان، از اصلی‌ترین مناطق حضور اکثریتی شیعیان هستند. (خوفسکی تادیوش،

## ۲. علمای شیعه

آذربایجان یکی از مناطق مهم شیعه‌نشین در جهان اسلام به شمار می‌آید. این جمهوری، علما و مراجع بسیاری را به دنیای علمی اسلام تحویل داده است. علمای آذربایجان در خارج کشور خود نیز مشهورند، به طوری که در عراق، ایران، سوریه و عربستان، علاوه بر تدریس دروس عالی اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، برخی از آن‌ها مرجعیت شیعه را هم بر عهده گرفته‌اند. آنان علاوه بر این‌که در کشور خود مدارس را تأسیس نموده‌اند، در کشورهای خارجی هم حوزه‌های علمیه بنا کرده‌اند. مساجدی نیز در کشورهای مثل عراق و ایران، به واسطه و کمک این بزرگان ساخته شده و اکنون نیز باقی است. بین علمایی که صاحب اجتهاد و مقامات علمی بوده‌اند، افرادی هم با اشغال‌گران روس جنگیده و شهید شده‌اند. برخی از آن‌ها نیز به دست بلشویک‌های شوروی کشته شدند. مقام علما و فضیلتی آذربایجان در حوزه نجف نیز همیشه شایسته قدردانی بوده و زهد و اخلاق و علم خدایی آنان ورد زبان‌ها بوده است. (ولی‌اف، ۱۳۸۱، ص ۱۲-۲۴)

## ۳. احزاب و گروه‌های شیعی اسلام‌گرا

گروه‌های شیعی و جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در جمهوری آذربایجان در طول سال‌های گذشته، پس از جدایی از ترکیب اتحاد جماهیر شوروی، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. شروع فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نسبتاً آشکار و حضور در صحنه‌های گوناگون این کشور، هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران برجسته‌تر شد. آن‌ها با عنوان «خمینی‌چی‌ها» و بیشتر از منطقه نارداران باکو، ابراز وجود کردند و به برخی اقدامات سیاسی دست زدند. با از دست رفتن منطقه قره‌باغ و اشغال آن توسط ارامنه، حیدر علی‌اف، با ابزارهای تبلیغاتی و عوام‌فریبی قدرت را در

دست گرفت. در ماه‌های ابتدایی حکومت وی، گروه‌های شیعی اسلام‌گرا، فعالیت زیادی انجام دادند، اما بعد از چند سال، حکومت علی‌اف با فرارسیدن انتخابات مجلس، محدودیت‌هایی را برای گروه‌های شیعی اسلام‌گرا ایجاد کرد. فعالیت‌های اسلام‌گرایان، در این مقطع در بعد سیاسی - اجتماعی، دچار رکود چشم‌گیری شد. اما بعد از آزادی برخی از رهبران گروه‌های اسلام‌گرای شیعی در سال ۱۳۷۹، بار دیگر فعالیت‌های ایشان اوج گرفت. بنابراین، در چند سال اخیر - چه در زمان حکومت حیدر علی‌اف و چه در زمان حکومت فرزندش - تفاوت عمده‌ای در فعالیت‌های سیاسی گروه‌های شیعی در مقایسه با گذشته مشاهده می‌شود؛ مانند ظهور چندین جریان و تشکل سیاسی و حضور قدرتمند در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی و واکنش به مسائل مختلف جهان خصوصاً جهان اسلام، مبارزه با حضور سیاسی - اجتماعی رژیم صهیونیستی و اهانت به مقدسات تشیع و مقابله با حکومت به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده برای زنان محجبه. (جباری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۴۳)

#### ۴. احزاب و مراکز شیعی

##### ۴-۱. حزب اسلامی آذربایجان

این حزب مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حزب اسلام‌گرای شیعی است که در سال ۱۹۹۱ در شهر نارداران در نزدیکی باکو تأسیس گردید. اعضای این حزب، خواهان گسترش فرهنگ اسلامی در آذربایجان بودند و مبارزاتشان را برای استقلال اقتصادی و سیاسی آذربایجان، تحت حاکمیت قوانین اسلامی آغاز نمودند و هرگونه ناسیونالیسم قومی را رد کردند و شعار گسترش فرهنگ اسلامی را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند. (جباری، ۱۳۸۹، ص ۵۰-۵۱؛ خدادوست، ۲۵ خرداد ۱۳۹۱)

حزب اسلامی آذربایجان را باید طرف‌دار اصلی اجرای الگوی نظام سیاسی و دینی ایران دانست. به اعتقاد این حزب، فقط اسلام قادر به ایفای نقش سازنده در

ایجاد آذربایجان مستقل است. این اعتقاد، محور اساسی ایدئولوژی حزب اسلامی آذربایجان را تشکیل می‌دهد. (شهیدی ارسباران، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲) این حزب اکنون بزرگ‌ترین حزب اسلام‌گرای شیعی در آذربایجان و نیز هم‌سوترین حزب سیاسی با جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳، ص ۵۴-۵۶)

#### ۲-۴. حزب دموکراتیک اسلامی

گروهی از اعضای حزب اسلامی آذربایجان در نوامبر سال ۲۰۰۲ میلادی، گرد هم آمدند و حزب جدیدی را با نام «حزب دموکراتیک اسلامی» بنیان نهادند. این حزب از اصول اسلامی، دموکراتیک و ترکیسم حمایت می‌کند. به دلیل مخالفت‌های دولتی، حزب دموکراتیک اسلامی هنوز نتوانسته فعالیت‌های رسمی خود را آغاز نماید. به همین دلیل، به طور غیررسمی فعالیت می‌کند. مواضع این حزب تا حدود زیادی به مواضع حزب اسلامی آذربایجان شباهت دارد. (اشراف‌فی، ۱۳۹۳)

هم‌چنین چند حزب هم‌سو و ده‌ها نهاد مدنی اسلامی فعال در این کشور وجود دارند. در حالی که تا چند سال قبل، گروه‌های اسلامی فقط در حزب اسلام و چند گروه محلی منحصر بود. به دنبال بلوغ سیاسی، تفاوت دیدگاه‌ها و دور ماندن از برخوردهای حکومت، امروزه شاهد ده‌ها جمعیت و تشکل سیاسی - اجتماعی هستیم که در مقاطع گوناگون، در برابر جریان‌های پیش‌آمده واکنش نشان داده‌اند و با کنار گذاشته شدن یکی، بقیه راه آن‌ها را ادامه می‌دهند. امروزه وقتی از شیعیان این کشور و یا صاحب‌نظران سیاسی و از حضور و نفوذ آن‌ها سؤال می‌شود، تعداد آن‌ها را رو به رشد می‌دانند. برخی از تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی شیعیان این کشور عبارتند از:

- مرکز دفاع از آزادی اعتقادات، به رهبری الگار ابراهیم اوغلو؛

- حزب اتحاد، به رهبری حاج‌خودات خودی‌اف؛

- حزب فضیلت، به رهبری حاج‌گوندوز حاجی‌اف؛
- حزب سبز، به رهبری مائیس‌گل علی‌اف؛
- اتحادیه اجتماعی دیرلر، به رهبری آب‌گل سلیمان‌اف؛
- اتحادیه اجتماعی بیرلیک به رهبری نامیک بابا خان‌اف؛
- مجمع دینی مسجد جامع شهر باکو.

هم‌چنین ائتلاف با سایر تشکلهای هم‌سو، مانند تشکیل ائتلاف اتحادیه نیروهای آذربایجان، ائتلاف مقطعی با احزاب مخالف، ائتلاف مقطعی در زمان انتخابات و دادن فهرست مشترک، ائتلاف جمعیت‌ها و گروه‌های مذهبی در حوادثی نظیر حمله رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان، از آن جمله هستند. (جباری، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰-۱۸۱)

عوامل تأثیرگذار بر ویژگی‌ها و مختصات جریان‌های اسلام‌گرای شیعی آذربایجان

#### ۱. بحران قره‌باغ

وضعیت حاکم بر منطقه قره‌باغ، نقشی دوگانه در کارکرد جریان‌های اسلام‌گرا دارد: از یک سو، ملت مسلمان آذربایجان، حمایت‌های دنیای مسیحی و در رأس آن روسیه، امریکا و فرانسه از مواضع ارمنستان را درک می‌کنند. این عامل باعث تقویت مواضع جریان‌های اسلامی می‌شود که راهبرد ضد‌امریکایی دارند. از سوی دیگر، روابط ایران با ارمنستان و انتقادهای و تبلیغ‌هایی که جامعه آذری به ویژه بخش سکولار جامعه به این روابط دارد، مواضع و موقعیت جریان‌های اسلام‌گرای شیعی را دچار چالش می‌سازد. به عبارت دیگر، روابط رو به رشد ایران و ارمنستان و عدم حمایت قاطع ایران از باکو در قضیه قره‌باغ، آشکارترین و شایع‌ترین دلیل بر تأثیرات عمیق این مسئله نسبت به جریان‌های شیعی آذربایجان است. (رمضانی بونش، تیر ۱۳۹۱؛ بهراد،

۱۳۷۲، ص ۳۴-۴۰) در این بین، علی‌رغم صدور چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل درباره تأمین حاکمیت ملی و تمامیت ارضی آذربایجان و وجود اسناد و تصمیمات شورای امنیت و همکاری اتحادیه اروپا، ارمنستان تاکنون از سیاست اشغال‌گرانه خود دست نکشیده و جامعه بین‌الملل این مسأله را نادیده می‌گیرد. (رمضانی بونش، آذرماه ۱۳۹۱)

## ۲. نوع روابط با ایران

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بین شیعیان آذربایجان زیاد بوده است. شکل‌گیری جریان‌های اسلام‌گرای شیعی، مستقیماً از فضای انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت. به همین علت، ایران به حمایت جدی از جریان‌های اسلام‌گرا پرداخته است و از طرفی آن‌ها هم ارتباط خود را با جمهوری اسلامی ایران پنهان نکرده‌اند. نوع روابط ایران با جریان‌های اسلامی شیعی تقریباً کارکرد و پیامی دوگانه دارد: حمایت ایران از جریان‌های اسلام‌گرا، باعث تقویت آن‌ها می‌شود، در عین حال، این روابط باعث شده این جریان‌ها بیش‌تر زیر فشار حاکمیت و افکار عمومی قرار گیرند و جریانی غیر بومی تلقی شوند. (اشرافی، ۱۳۹۳)

## مؤلفه‌های خصومت‌زا در روابط تهران - باکو

### الف) نزدیکی رژیم غاصب صهیونیستی به آذربایجان

اولویت رژیم صهیونیستی در نزدیکی به آذربایجان در دهه اخیر، به خاطر ایران بوده است. این رژیم به دلیل در اختیار نداشتن فضای حیاتی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی‌اش و عدم عمق استراتژیک در مقابله با حملات احتمالی، مجبور شده از ظرفیت آذربایجان در مقابل ایران بهره‌برداری کند.



ب) ایده‌ها و رفتارهای غلط سیاست خارجی آذربایجان در قبال ایران نوع نگاه مسئولان درجه یک آذربایجان به ایران، باعث شده است که در این کشور از ایران به عنوان یک «رقیب متخاصم» نام برند. نمود این مسأله در رفتار مقامات آذربایجانی کاملاً مشهود است.

### ج) ضعف‌های ساختاری دولت آذربایجان

بنیادی‌ترین مؤلفه خصومت‌آمیز بین ایران و آذربایجان، ضعف ساختارهای اساسی نظام جمهوری آذربایجان است؛ از جمله: شکاف فرهنگی بین دولت و مردم؛ وجود فساد اداری در سطوح مختلف دولتی در آذربایجان.

### ۳. فقدان کارکردهای سیاسی مجرب قوی و ملی

ایجاد ساختارهای خاص برای فعالیت‌های دینی در نهاد حکومت، نشان از این دارد که حکومت آذربایجان علی‌رغم پیشینه ضددینی - با قبول این‌که دولت فعلی در ماهیت خود از میراث اقتدارگرایی دوران شوروی بی‌بهره نیست - قبل از استقلال و نیز رویکرد سکولار بعد از استقلال، عنصر دین به ویژه اسلام و تشیع را به عنوان واقعیتهای انکارناپذیر و بخش جدایی‌ناپذیر از هویت شهروندان خود پذیرفته و به رسمیت شناخته است. با این حال، جریان‌های اسلام‌گرا هنوز موفق نشده‌اند شخصیت‌هایی با تجربه سیاسی و دارای وزن ملی در خود پرورش دهند. بیش‌تر پیروان و رهبران جریان اسلام‌گرای شیعی، جایگاه سیاسی مقبولی در جامعه آذربایجان ندارند و همین امر، آثاری منفی را بر نقش‌آفرینی این رهبران در صحنه تحولات سیاسی - اجتماعی کشور به دنبال داشته است.

#### ۴. ناحیه‌ای و منطقه‌ای بودن حوزه فعالیت اسلام‌گرایان شیعی

جغرافیای فعالیت اکثر جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در آذربایجان، شهرستان نارداران و شهرهای جنوبی هم‌مرز با ایران است. با توجه به این که زیارتگاهی هم در نارداران وجود دارد، مردم این روستا از دوران شوروی، گرایش شدیدی به اسلام‌گرایی دارند. وضعیت حاکم بر نارداران، نمونه بارزی از ناحیه‌ای و منطقه‌ای بودن حوزه فعالیت اسلام‌گرایان شیعی در آذربایجان است. این امر پیامدهای خاصی را بر نحوه فعالیت آن‌ها به دنبال داشته است. از یک طرف احزاب سیاسی فعال در این منطقه در شهرستانی کوچک محصورند و مناسبات سیاسی - اجتماعی آن‌ها در قالب ادبیات سنتی ظهور می‌یابد. از سوی دیگر، این شهرستان از نظر ژئوپولیتیک به مرکز نزدیک است و کنش سیاسی آن‌ها خیلی زود در پایتخت دیده می‌شود؛ ضمن این که پیوندهای خویشاوندی بیشتر اهالی نارداران نیز به مقاومت آن‌ها در حوزه سیاسی کمک می‌کند. (بی‌نا، ۲۵ مارس ۲۰۰۸)

#### ۵. فرهنگ سیاسی سکولار

این فرهنگ که در دوران تسلط هفتاد ساله کمونیست‌ها بر آذربایجان تحمیل شده است، تأثیر منفی در حوزه تسری فرهنگ اسلامی در این کشور دارد. پس از فروپاشی شوروی نیز دولت آذربایجان، فرهنگ سیاسی سکولار را در قالب نظام جدید سیاسی (لیبرال - دموکراسی) تداوم بخشید. این امر تأثیر زیادی بر نحوه فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا بر جای گذاشته است. (اشرافی، ۱۳۹۳) عوامل مختلفی در تشدید این وضعیت دخیل و مؤثرند؛ مانند نقش شبکه‌های تلویزیونی غرب‌گرا مثل آینس، ای تی وی و غیر آنها که با تشدید فرهنگ برهنگی و ضداخلاقی در جامعه، مجریان سیاست ترویج فرهنگ سیاسی - اجتماعی سکولار در آذربایجان را همراهی می‌کنند. (حقایق قفقاز، اردیبهشت ۱۳۹۲)

## فرصت‌ها و قابلیت‌ها

شیعیان آذربایجان در دوره‌های مختلف تاریخی، در برابر جریان‌های ضعیف‌کننده، توانسته‌اند اعتقادات مذهبی خود را تا حدود زیادی حفظ نمایند. این امر نیز می‌تواند در بردارنده برخی از قابلیت‌های تشیع در این کشور باشد که فرصت‌هایی را نیز برای ایشان رقم می‌زند:



### ۱. پیشینه دین‌گرایی شیعه در منطقه

شیعیان آذربایجان از دیرباز، به حفظ شعائر مذهبی و فعالیت‌های دینی اهتمام داشته‌اند. در دوره‌های حاکمیت تزارها و شوروی، این تلاش‌ها به شکل مبارزات دینی بروز می‌نمود که اغلب به دلیل ماهیت استبدادی نظام‌های غیرمسلمان حاکم، پس از چند سال و با کشتارهای وسیع و برنامه‌ریزی شده علما و دین‌داران خاموش می‌شد. (واحدی، ۱۳۸۶، ص ۸۱-۹۰)

### ۲. تعداد جمعیت و تسلط بر حاکمیت

شیعیان با اختصاص بالاترین سهم از جمعیت به خود و نیز داشتن اکثریت در قوم غالب (آذری‌ها)، از حیث توان‌مندی جمعیتی، بالاترین مزیت را در آذربایجان دارند و به تبع این، حاکمیت و دولت نیز به طور کامل در دست آذری‌های شیعی است.

(رمضانی بونش، تیر ۱۳۹۱؛ گلی زواره، ۱۳۷۳، ص ۲۴-۳۲) آذربایجان از این حیث، موقعیتی ویژه در بین کشورهای شیعه و اوضاع به مراتب بهتری از عراق و لبنان و وضعیتی مشابه ایران دارد. (اشرفی، مهر ۱۳۹۳)

### ۳. عوامل تقویت‌کننده خارجی

استقلال آذربایجان و تشکیل دولت ملی به دست شیعیان، فرصت مناسبی برای پیروان این مذهب بود تا از تنگناهای نظام ضددینی شوروی بیرون آیند و به احیای مذهب خود همت گمارند. عوامل خارجی در منطقه، این رویداد را تقویت می‌کرد که بهترین فرصت در این زمینه، وجود کشوری قدرتمند و تأثیرگذار چون ایران بود که بر پایه ایدئولوژی منشعب از مذهب تشیع اداره می‌گردد. (اشرفی، مهر ۱۳۹۳)

### تهدیدها، چالش‌ها

در زمینه تهدیدها، چالش‌ها و مشکلات شیعیان آذربایجان، به مواردی چون چالش‌های دینی - مذهبی و غیردینی می‌توان اشاره کرد:

#### ۱. سکولاریسم

از آن‌جا که ماهیت نظام سیاسی آذربایجان، سکولار و بر جدایی دین از سیاست مبنی است، امیدواری زیادی برای شیعیان وجود ندارد که دولت از تفکر و ایدئولوژی شیعی به منزله اعتقاد اکثریت مردم به طور مؤثر حمایت کند. ایجاد محدودیت در زمینه استفاده از حجاب در اماکن عمومی نظیر دانشگاه‌های دولتی، ممنوعیت پخش اذان در مساجد و محدودسازی برخی مراسم‌های مذهبی برای شیعیان در سال‌های اخیر، از جمله سخت‌گیری‌های دولت در برابر دین‌گرایی شیعی بوده است. (واحدی، ۱۳۸۶، ص ۹۳-۱۰۶)

## ۲. فعالیت‌های نیروی رقیب

اهل سنت در دستگاه‌های دولتی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نیستند و ابزار تبلیغاتی قوی مثل رسانه‌های دیداری، نوشتاری و یا الکترونیکی به صورت چشم‌گیر ندارند. تفکر سنی وارداتی از خارج البته نسبت به بخش داخلی فعالیت بیشتر دارد. ترکیه یکی از مؤثرترین کشورها در این زمینه محسوب می‌شود. روابط بسیار گسترده و ریشه‌دار ترکیه و آذربایجان، باعث شده تا اسلام‌گرایان این کشور محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان را برای فعالیت‌های خود مناسب ببینند. در بین کشورهای عرب نیز کویت و عربستان، بیش‌ترین فعالیت دینی را در آذربایجان دارند. این فعالیت‌ها را شاید بتوان به نوعی تهدید جدی، ولی محدود برای تفکر شیعی آذربایجان محسوب کرد. (اشرفی، شهریور ۱۳۹۳)

## ۳. فعالیت فرقه‌های منحرف

بهائیت و وهابیت، دو نمونه بارز فرقه‌های انحرافی در آذربایجان هستند. در این میان، فرقه بهایی که موقعیت تضعیف‌شده‌ای در سایر کشورها یافته، با دارا بودن دو شکل ثبت‌شده و قانونی فعالیت می‌کند، ولی انعکاس چندانی از فعالیت آن در جامعه آذربایجان به چشم نمی‌خورد. فرقه انحرافی وهابیت هم در این کشور در منطقه قفقاز، معمولاً از نواحی داغستان و چچنستان تغذیه می‌شوند؛ البته سرمنشأ اصلی این انحراف در عربستان قرار دارد. این فرقه انحرافی، بیش‌تر در بین گروه‌های سنی حاشیه‌ای در آذربایجان نفوذ دارند. اکنون اکثریت شیعه آذربایجان به ویژه فعالان شیعی این کشور، با چالشی با عنوان اقلیت وهابی روبه‌رو هستند که طی سال‌های گذشته، علاوه بر حمایت‌های خارجی، از حمایت خاموش دولت آذربایجان نیز برخوردار بوده‌اند. اکنون این گروه اقلیت، با هدف تغییر ترکیب جمعیتی آذربایجان و

جلوگیری از رشد جریان اصیل اسلامی در این کشور، قصد رویارویی با شیعیان را دارند. (خبرگزاری آران پرس، ۱۲ آذر ماه ۱۳۹۲) پیروان فرقه وهابیت، رفته‌رفته فعالیت خود را در آذربایجان گسترش می‌دهند و به صورت سازمان‌یافته و ریشه‌ای، کار تبلیغی و شست‌وشوی مغزها در این کشور رها یافته از کمونیسم را دنبال می‌کنند. (جلیلی، ۲۷ مهر ۱۳۹۲) با این حال، به نظر می‌رسد نگاه نهادهای رسمی دولتی در آذربایجان به جریان‌های تندرو وهابیت منفی باشد. (رمضانی بونش، ۱۵ تیر ۱۳۹۳)

#### ۴. وجود گروه نورچی‌ها

نورچی‌ها طی سال‌های گذشته، به یکی از بانفوذترین گروه‌های اجتماعی - سیاسی آذربایجان تبدیل شده‌اند. نورچی‌ها با سوءاستفاده از نام اسلام و قوم‌گرایی ترک، نفوذ زیادی در آذربایجان یافته و اکنون به عنوان شعبه‌ای از اداره دیانت ترکیه به طور رسمی در باکو فعالیت دارند. تعدادی از رسانه‌ها از جمله کانال تلویزیونی و خبرنگار سایبری خزر و روزنامه زمان در اختیار این فرقه است که رسانه‌های یادشده، مبلغ آیین‌های خرافه‌محوری این گروه هستند. (پایگاه اطلاع‌رسانی مقاومت، ۲۵ آذرماه ۱۳۹۳) دانشگاه خزر به عنوان یکی از مراکز عمده آموزش عالی آذربایجان، از آموزشگاه‌های اقماری این فرقه است. برخی می‌گویند حتی عنوان اختصاری این دانشگاه که با حروف لاتینی f-g مشخص شده، برگرفته از حروف اول نام و نام خانوادگی فتح‌ا... گولن رهبر فرقه نورچی‌ها در ترکیه است. این گروه به ترکیه وابسته است، اما در لباس روشن‌فکران ملی ظاهر می‌شوند و بیش‌تر فعالیت‌شان در مراکز دولتی و آموزشی است. (اشرافی، شهریور ۱۳۹۳)

## نتیجه

استقرار نظام سیاسی سکولار در آذربایجان، بعد از استقلال از شوروی، موجب شده تا اسلام به ویژه مذهب تشیع، با ویژگی‌های خاصی در جامعه آذربایجان و متفاوت از کشورهای نظیر ایران و عراق شکل بگیرد. به همین دلیل، علی‌رغم این‌که اکثریت جامعه آذربایجان را مسلمانان و شیعیان تشکیل می‌دهند، پویش شدید اسلام سیاسی در این کشور و یا تمایل عمومی و ملی به استقرار یک نظام دینی هرگز شکل نگرفته، هرچند این تلقی که عنصر اسلامی به طور کامل از حیات سیاسی - اجتماعی جامعه آذربایجان خارج شده نیز برداشت درستی نیست؛ زیرا در بستر همین اوضاع خاص اجتماعی و دینی، جریانات مختلف اسلامی اعم از شیعی، سنی و وهابی-سلفی، طی دو دهه اخیر در آذربایجان شکل گرفته، هرچند ساخت سیاسی سکولار این کشور و رویکردهای دولت آذربایجان، مانع از نقش‌آفرینی پویش تعیین‌کننده احزاب اسلام‌گرا در روند تحولات سیاسی - اجتماعی این کشور شده است.

تاکنون گزارش‌های بسیاری درباره اسلام‌ستیزی در کشورهای غربی از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی مطرح شده، اما این بار نوعی اسلام‌ستیزی جدید و آن هم در کشوری مسلمان‌نشین نظیر آذربایجان را شاهد هستیم. ممنوعیت حجاب برای دانش‌آموزان مسلمان، منع برگزاری مناسک مذهبی از جمله در ماه‌های رمضان و محرم، مخالفت با اقامه نماز در پادگان‌ها و... تلاش‌های سازمان‌یافته مقامات آذربایجان برای مقابله با اسلام به شمار می‌آید. در عین حال، نمی‌توان حمایت‌های کشورهای غربی و رژیم اسرائیل در مبارزه با اسلام در آذربایجان را نادیده گرفت و می‌توان آن‌ها را عاملان اصلی اسلام‌ستیزی جدید در این کشور دانست. (رسولی، ۱۲ بهمن ۱۳۹۲) لذا با توجه به اکثریت شیعی در این کشور، احزاب و گروه‌های سیاسی شیعی متعددی نظیر حزب اسلامی آذربایجان، حزب دموکراتیک اسلامی و جامعه

مسجد جامع (مرکز دفاع از آزادی اعتقادات) شکل گرفته است. شیعیان معتقدند فعالیت‌های سیاسی و اسلام‌گرایانه آن‌ها، از انقلاب اسلامی ایران متأثر بوده و آن‌ها با تأسی از بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، تعلیمات دینی و معارف اسلامی را با تحرک خاصی انجام می‌دهند. (اسدزاده، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰) با این حال، از سیاست دولتمردان آذربایجان به «دموکراسی قطره‌چکانی» یاد می‌شود؛ سیاستی که خانواده علی‌اف طراحی کرده است. این مسأله باعث گردیده که موافقان و مخالفانی را نیز در میان فعالان سیاسی در داخل آذربایجان پیدا کند. البته جمیع آذری‌ها به داشتن دولتی واحد و امنیت و ثبات داخلی اعتقاد دارند و این مسأله را بر بسیاری از اختلافات میان خود اولویت می‌دهند.

ظهور ناگهانی داعش در عراق، نگرانی بسیاری را در میان رهبران شیعه آذربایجان ایجاد نمود؛ زیرا مسأله عراق برای آنان از جهات مختلفی بسیار مهم‌تر از سوریه است. در واقع عراق، در بسیاری از جهات شباهت زیادی به آذربایجان دارد. از نظر مذهبی، شیعیان آذربایجان و عراق بسیار به هم شباهت دارند، در حالی که تفاوت چشم‌گیری بین شیعیان آذربایجان و علویان سوریه وجود دارد. بسیاری از شیعیان آذربایجان و عراق، از آیت‌الله سیستانی به عنوان یک رهبر روحانی مشترک تبعیت می‌کنند. علاوه بر این، بسیاری از اماکن مقدس شیعیان در عراق قرار دارد. با در نظر گرفتن چنین وضعیتی، هر نوع بحران در عراق، دارای پتانسیل بیش‌تری برای جذب شیعیان آذربایجان است؛ به طوری که بنابه اظهار رسانه‌ها، تعدادی از شیعیان آذربایجان، فراخوان آیت‌الله سیستانی به مبارزه با شورشیان داعش را لبیک گفتند و به عراق رفتند. (روشن اوغلو، تیرماه ۱۳۹۳)

در این جهت، همسایگی ایران با این کشور نیز می‌تواند به تقویت ثبات در آذربایجان و نیز تأثیرگذاری بر فعالیت‌های برخی گروه‌های شیعی در این کشور



کمک‌های شایانی نماید. علی‌رغم حمایت‌های استراتژیک ایران از آذربایجان نظیر اتصال ارتباط زمینی نخجوان با آذربایجان، باکو در سال‌های اخیر رویکرد اتحاد با رژیم صهیونیستی را در پیش گرفته و اقداماتی نظیر همکاری با این رژیم، آزار ایرانیان، پیشبرد سیاست پان‌آذریستی، وضع غیررسمی تحریم‌هایی فراتر از تحریم‌های امریکا علیه ایران و ایجاد مأمّن برای گروهک و رسانه‌های قوم‌گرای ضدایرانی را انجام داده است. از آن‌جا که آذربایجان هویت خود را در انکار فرهنگ مشترک خود با ایران تعریف کرده، همواره تلاش دارد ایران را در اذهان مردم خود به عنوان دشمن معرفی کند. از این‌رو، امروزه در رسانه‌های رسمی و غیررسمی، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی آذربایجان، ایران را حامی و منجی ارمنستان معرفی می‌کنند که این کشور بیست درصد خاک آذربایجان را اشغال کرده است. (اولی‌نسب،

سه‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۲)

## فهرست منابع

۱. امیراحمدیان، بهرام، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۲. اسدزاده، محمدرضا، وضعیت فرهنگی و رسانه‌ای مسلمانان در جمهوری آذربایجان، به نقل از شیعه‌نیوز، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰.
۳. اولی‌نسب، احمد، خبرگزاری آران پرس، <http://fa.arannews.com> منتشر شده در تاریخ سه‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۲.
۴. اشرافی، مرتضی، تعامل و یا سلطه روسیه بر تاریخ سیاسی جمهوری آذربایجان، پایگاه سیاسی - اجتماعی کریمه اهل بیت علیهم‌السلام به آدرس اینترنتی: [www.karimeh.com](http://www.karimeh.com).
۵. \_\_\_\_\_، گفت‌گو با حجت‌السلام والمسلمین علم‌الدین لطیف اف، مهرماه ۱۳۹۳.
۶. \_\_\_\_\_، گفت‌گو با حجت‌السلام والمسلمین عبدالقادر سلیم اف، شهریور ۱۳۹۳.
۷. \_\_\_\_\_، گفت‌گو با حجت‌السلام والمسلمین عمران رجب اف، شهریور ۱۳۹۳.
۸. بیات، کاوه، آذربایجان در موج خیز تاریخ، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۹.
۹. بی‌نام، جمهوری آذربایجان: اسلام مستقل و دولت، گزارش مؤسسه بحران بین‌المللی، ۲۵ مارس ۲۰۰۸.
۱۰. برزویی، مجتبی، سیاست نابودی اقلیت‌ها در جمهوری آذربایجان، پایگاه اینترنتی روزنامه ابتکار، چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۳.
۱۱. برآورد پویایی محیط سیاسی جنبش اسلامی آذربایجان، سایت خبری تحلیلی حقایق قفقاز، منتشر شده در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۹۳ به آدرس اینترنتی: <http://qafqaz.ir/fa>
۱۲. بهراد، عبدالواحد، قره‌باغ در چشم انداز تاریخ، تبریز: انتشارات ارک، ۱۳۷۲.
۱۳. جباری، ولی، با هم‌کاری محمود تقی‌زاده داوری، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۹.
۱۴. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۸.
۱۵. جلیلی، مهدی، دلارهای نفتی و هجوم بنیادگرایان به جمهوری آذربایجان، جام‌جم آنلاین، ۲۷ مهر ۱۳۹۲.

۱۶. جمهوری آذربایجان، چاپ دوم، تهران: وزارت کشور، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۷۵.
۱۷. چالش‌ها و فرصت‌های شیعیان جمهوری آذربایجان، پایگاه خبری تحلیلی مشرق، ۳ اسفند ۱۳۹۰.
۱۸. خدادوست، احسان، جریان اسلامی آذربایجان، آتش زیر خاکستر، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان، ۲۵ خرداد ۱۳۹۱. [www.borhan.ir/nsite/fullstory/news](http://www.borhan.ir/nsite/fullstory/news)
۱۹. خیرگزاری آران، سال سوم، شماره ۶، تحولات اجتماعی- فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی. ۱۳۹۰.
۲۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹.
۲۱. رضایی، محمد، تاریخ تشیع در آذربایجان، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
۲۲. رسولزاده، محمدامین، جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن، ترجمه تقی سلامزاده، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۰.
۲۳. رسولی، محمود، اسلام‌ستیزی نوین در جمهوری آذربایجان، پرس‌تی‌وی، ۱۲ بهمن ۱۳۹۲.
۲۴. رمضان‌بونش، فرزاد، گفت‌گو با افشار سلیمانی، سفیر سابق ایران در آذربایجان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تیر ۱۳۹۱.
۲۵. \_\_\_\_\_، گفت‌گو با جوانشیر آخوندآووف، سفیر آذربایجان در ایران، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، آذرماه ۱۳۹۱.
۲۶. \_\_\_\_\_، گفت‌گو با محسن پاک‌آیین سفیر ایران در جمهوری آذربایجان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح در ۱۵ تیر ۱۳۹۳.
۲۷. روشن‌اوغلو، کنعان، فضا سازی شیعه سنی در خاورمیانه و بازتاب آن در جمهوری آذربایجان، مؤسسه کارنگی روسیه، به نقل از مسعود صدر محمدی، تبریز: بیدار، تیرماه ۱۳۹۳.
۲۸. سویتو خوفسکی، تادیوش، آذربایجان روسیه، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر شادگان، ۱۳۸۱.
۲۹. شهیدی ارسباران، عبدالحسین، خاطرات حاج علی اکرام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۰. عزاداری شیعیان آذربایجان در محرم، خبرگزاری آران، <http://fa.arannews.com>.
۳۱. عباس اف، علی، هاروتیون چاخاتریان، مناقشه قره‌باغ، آرمان‌ها و واقعیت‌ها، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.

۳۲. عبدالواحد، بهراد، قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ، تبریز: انتشارات ارک، ۱۳۷۲
۳۳. عزاداری شیعیان آذربایجان در محرم، خبرگزاری آران، <http://fa.arannews.com>
۳۴. کیهان‌فر، عباس، «نگاهی به جمهوری مسلمان‌نشین آذربایجان»، تهران: مجله مشکات، زمستان ۱۳۷۲، شماره ۴۱.
۳۵. کوزه‌گر کالجی، ولی، اسلام و جریان‌های اسلامی در جمهوری آذربایجان، تهران: خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳.
۳۶. گلی زواره، غلام‌رضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی و قفقاز، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۷. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان، نگاه به آینده، تبریز: انتشارات ارک، ۱۳۷۳.
۳۸. مناف اوغلی موسوی، تیمور، چهل سند فارسی از جمهوری آذربایجان، ترجمه پرویز زارع شاهرسی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶.
۳۹. نگاهی به روند اسلام‌ستیزی در آذربایجان، پایگاه اطلاع‌رسانی مقاومت، تاریخ دسترسی به مطلب، ۲۵ آذرماه ۱۳۹۳، آدرس اینترنتی مطلب: <http://www.moqavemat.ir>
۴۰. واحدی، الیاس، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶.